

پیشرفت صنعتی و تکنولوژیک: رمز بقای استرالیا *

که از این میزان کمی کمتر از ۲۰ میلیارد دلار آن درآمد صادرات محصولات کشاورزی است. این درآمدها اکنون، به دلایل و علل مختلف، دچار نقصان شده است. مهمترین آن علل بدین قرار است:

۱- اروپا و آمریکا، که رقبای تجاری استرالیا در صادرات مواد کشاورزی هستند، محصولات خود را به صورت سویسید شده (تخفیفی) می‌فروشند؛ بدین معنا که مثلاً گندمی را که استرالیا نمی‌تواند به کمتر از ۱۲۰ تا ۱۳۰ دلار بفروشد، آنها به بهای ۴۰ تا ۵۰ دلار در هر تن به فروش می‌رسانند، و بدین ترتیب بازار گندم استرالیا دچار رکودی غیر قابل تحمل شده است؛ این در حالی است که تولید گندم در کل جهان نیز افزایش یافته است.

۲- پشم استرالیا، که محصول عمده دیگر صادراتی استرالیا است، نیز اکنون دچار بحران است. شوروی، چین، و ژاپن، که مشتری اصلی پشم استرالیا هستند، از تقاضاهای خود کاسته‌اند و به دلیل روی آوری بسیاری از دامداران استرالیایی به تولید پشم، عرضه آن فراوان شده است به طوری که تقاضای موجود کشتش عرضه آن را ندارد. به دلیل عرضه زیاد و تقاضای کم میلیونها عدل پشم بی مشتری مانده است.

۳- لبنیات، که از دیگر محصولات کشاورزی است، در سطح جهانی با افت قیمت روبرو شده است.

۴- نرخ برابری دلار استرالیا نیز گاهی اقتصاد استرالیا را با مشکل روبرو می‌سازد. از آنجا که یک اقتصاد قدرتمند پشتوانه این نرخ نیست، هر چندگاه یک بار دستخوش سیاستهای جهانی اقتصادی در بورسهای عمده می‌شود. چندی پیش نرخ برابری دلار استرالیا به ۸۵ سنت آمریکا رسید.

این امر باعث می‌شود که واردات به استرالیا ارزان و صادرات گران تمام شود.

ب) صنعت

استرالیا دارای صنعت ویژه و فوق‌العاده‌ای نیست، و اصولاً کشوری صنعتی به‌شمار نمی‌آید، زیرا اگر چه بسیاری از شرکتهای چند ملیتی در آن شعبه و کارخانه

در نظر بسیاری، کشور استرالیا از جمله کشورهای مرفه غربی با تمام وجوه و جوانب اجتماعی، فرهنگی، صنعتی و تکنولوژیک آن، به‌شمار می‌رود، و دولت و ملت استرالیا نیز خود مایلند چنین وانمود کنند. در واقع از برخی جهات، بویژه از لحاظ سطح زندگی و امور رفاهی، چنین نیز هست. ولی این تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه، بدهیهای خارجی استرالیا و وضعیت نابینجار اقتصادی آن است. به عبارت ساده‌تر، رفاه و آسایشی را که اروپا و آمریکا با تلاش خود، و با به‌کار انداختن چرخهای صنعت و پیشبرد تکنولوژی برای خود ساخته‌اند، استرالیا با پول، آن هم با پول دیگران، خریده و برای مردمش تهیه کرده است. قروض خارجی استرالیا از ۲/۴٪ کل تولید ناخالص داخلی این کشور در ماه مارس ۱۹۷۹ به ۳۱/۶٪ در مارس ۱۹۸۹ رسیده است. در گزارش سالیانه وزارت صنعت، تکنولوژی و بازرگانی استرالیا در سال ۱۹۸۹ آمده است که برخی وام‌دهندگان خارجی استرالیا دیگر حاضر نیستند به کشوری که بیش از آن که تولید کند مصرف می‌کند، و حتی در برخی موارد قادر به پرداخت بهره و امهائش نیست، وام بدهند. بنابراین، استرالیا به عنوان کشوری مقروض، که توانایی پرداخت قروض خود را ندارد، و به همین دلیل سیل سرمایه‌های خارجی به آن زمانی پایان خواهد یافت، مجبور است چاره‌ای بیندیشد تا اقتصاد خود را سامان بخشد. در غیر این صورت استرالیا باید به دورانهای سخت‌تری بیندیشد و خود را برای بریدن از غرب و پیوستن به جهان سوم آماده کند. در این گزارش، نخست به وضعیت فعلی اقتصادی استرالیا پرداخته می‌شود و سپس راههایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت که استرالیا از هم اکنون در نظر دارد پیش بگیرد.

بخش اول: وضعیت فعلی استرالیا از لحاظ

اقتصادی

آ) کشاورزی

استرالیا سالیانه حدود ۴۱ میلیارد دلار صادرات دارد،

بخش دوم: اقدامات عملی جهت بالا بردن ظرفیت علمی و تکنیکی استرالیا

آ) تأسیس شهر تکنولوژیک

استرالیا و ژاپن در حال بررسی‌های اولیه برای تأسیس یک شهر با تکنولوژی نوین هستند. این شهر، که تاکنون محل آن مشخص شده (در استرالیا، جنوبی) و کمیته‌های مختلفی در حال بررسی جنبه‌های مختلف تأسیس آن هستند، دارای دانشگاهها و کارخانه‌هایی با روشهای فنی بالا است، و استرالیا می‌تواند با استفاده از آنها سطح علمی دانشگاههای خود را ارتقا دهد. شیوه‌های فنی برتر را به کار بگیرد، و با سرمایه‌گذاری کشورهای مختلف در این شهر به اقتصاد راکدش کمک کند.

ب) حرکت در جهت بهبود کیفی و علمی نظام آموزشی استرالیا

گزارشهای متعددی تاکنون در خصوص پایین بودن کیفیت فارغ‌التحصیلان دانشگاههای استرالیا منتشر شده است. در بسیاری موارد دانشجویان نتوانسته‌اند آزمونهای مربوط به ارزیابی میزان سوادشان را بگذرانند. همین امر باعث شده است که تعداد استادان دانشگاهها و محققان در مراکز تحقیقاتی به طرز روزافزونی کاهش یابد.

برای حل این معضل، دانشگاههای استرالیا بتدریج در حال افزایش تماسهایشان با دانشگاههای خارجی هستند تا از این راه دانش جدید فنی، استاد و محقق وارد استرالیا نمایند. این امر منافی نیز برای استرالیا دربر دارد. از جمله، به گفته بیل استریت^۱، از مقامات یک مؤسسه علمی و تحقیقی استرالیا، تاکنون ۱۵۰ دانشجوی ایرانی برای تحصیل در دوره‌های فوق لیسانس و دکتری در دانشگاههای استرالیا ثبت نام کرده‌اند، که تنها شهریه دانشگاههایشان تاکنون به ۱۳ میلیون دلار بالغ گردیده است.

همچنین «فدراسیون مجامع فنی و علمی» استرالیا به دولت استرالیا پیشنهاد کرده است که کمکهای مالی خود به مؤسسات آموزشی را افزایش دهد و هزینه‌های آموزشی را جزء سرمایه‌گذاریها به حساب آورد نه جزء مخارج. در غیر این صورت منابع انسانی استرالیا دچار کمبود قابل توجهی خواهد شد.

دکتر ویداپ^۲، رئیس فدراسیون مذکور، به عنوان مثال، اعلام نمود که دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی در سال گذشته جمعاً ۸۱۰ نفر جای خالی در رشته فیزیک

دارند، ولی این صنایع بیش از آن که صنعت به معنای خاص کلمه باشند مونتاژ قطعات و لوازم است. چنین به نظر می‌رسد که این شرکتها استرالیا را به عنوان پایگاه خود در اقیانوس آرام برگزیده باشند. به همین دلیل است که یک گردش کوتاه در بازارها و مراکز خرید این کشور به روشنی نشان می‌دهد که ریزترین کالاهای مصرفی نیز وارداتی است. در عین حال، از حدود ۴۰ میلیارد دلار صادرات استرالیا در سال گذشته در حدود ۳ میلیارد دلار آن کالاهای ساخته شده صنعتی بوده است (۸/۷٪ از کل تولید ناخالص داخلی) که بیشتر به کشورهای کوچک منطقه صادر شده است. و این در حالی است که از کل ۴۰ میلیارد دلار واردات استرالیا ۳۰ میلیارد دلار آن لوازم ساخته شده صنعتی بوده است.

ج) مواد خام معدنی

در حدود ۱۸ میلیارد دلار از درآمد ارزی استرالیا از مواد خام معدنی است که بدون عمل‌آوری یا ارزش افزایی قابل توجهی صادر می‌شود. از این مبلغ ۱۲ میلیارد آن سنگ آهن، ذغال سنگ، و نفت است. نکته‌ای که در خصوص این بخش می‌توان تذکر داد این است که این بخش، گرچه دچار مشکلات و نابسامانیهای کمتری است و ارزش کم در دسترستی برای استرالیا فراهم می‌کند، ولی اولاً برای استرالیا غیرممکن است که منابع درآمد ارزی را منحصر به این بخش کند، ثانیاً خود این بخش، به دلیل این که مواد کشاورزی جزء مواد ضروری و حیاتی خریداران به شمار نمی‌رود، میدان مانور کمتری به استرالیا می‌دهد، و ثالثاً اهمیت این بخش، با توجه به تلاشهای گسترده برای متحول ساختن منابع انرژی، در سطح بین‌المللی در حال کاهش است.

با توجه به این نکات است که وزارت صنایع، تکنولوژی و بازرگانی استرالیا در گزارش سال ۱۹۸۹ خود در بخش سیاستهای صنعتی آورده است که: «چون صادرات معدنی و کشاورزی بخش اعظم صادرات را تشکیل می‌دهد، لازم است که استرالیا، برای این که بتواند قابلیت رقابت در صحنه بین‌المللی را به دست آورد، کالاهای ساخته شده و تولیدات پیچیده‌تری عرضه کند. این هدف اصلی صنعتی استرالیا در دهه ۱۹۹۰ است».

اقدامات عملی که استرالیا قصد دارد برای اجرای این سیاست بدان مبادرت ورزد، تا آنجا که تاکنون انتشار یافته است، موضوع بخش دوم این گزارش است.

علمی و تحقیقاتی کمک مؤثری در راه پیشرفت علم و فن در استرالیا کند. در این مورد، صدور خدمات علمی، بویژه در زمینه‌های کشاورزی، مرتع‌داری و دامپروری، که استرالیا پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در آن یافته است، نیز مد نظر قرار دارد.

مشکلات و موانع

در راه پیشرفت علمی و فنی استرالیا مشکلاتی هم وجود دارد، که از آن جمله است وابستگی شدید و غیرقابل توجه استرالیا به آمریکا. استرالیا در منطقه‌ای قرار گرفته است که اقتصادهای رو به رشد تایوان، کره، سنگاپور، و اعضای «آسه آن» نیز در آن قرار گرفته‌اند. بسیاری از این کشورها، بویژه اعضای «آسه آن»، تکنولوژی چندان پیشرفته‌تری از استرالیا ندارند، و این کشور می‌تواند براحتی با آنها همکاریهای منطقه‌ای علمی و صنعتی داشته باشد. ولی وابستگی استرالیا به آمریکا به حدی است که، از دید دولت‌های منطقه، وجود استرالیا در یک پیمان دو جانبه یا چند جانبه مساوی با وجود آمریکا در آن پیمان تلقی می‌شود. اختلاف اعضای «آسه آن» با شورای همکاریهای اقتصادی آسیا - پاسیفیک (APEC) نیز در همین راستا است و به نظر می‌رسد که اعضای «آسه آن» ترجیح می‌دهند که مستقلاً، و حداقل بدون نفوذ آمریکا، راه اقتصادی خود را در پیش گیرند.

از مشکلات دیگر استرالیا در این راه، سطح بالای دستمزد در این کشور است. یک کارگر کارخانه در استرالیا در هر ساعت در حدود ۱۶ دلار دستمزد می‌گیرد، در حالی که یک کارگر در انگلستان ۱۳ دلار، در اسپانیا ۱۰ دلار، در هنگ‌کنگ چیزی کمتر از ۵ دلار در ساعت دریافت می‌کند. این امر هزینه تولید کالا در استرالیا را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود که شرکتهای کمتری در راه تولید سرمایه‌گذاری نمایند. نمونه این امر ژاپنها هستند که سرمایه‌های هنگفت خود را در خرید و فروش املاک و مستغلات استرالیایی و تأسیس هتل و مراکز توریستی خرج می‌کنند و حاضر نیستند در راه تأسیس یک کارخانه سرمایه‌گذاری نمایند.

□ عباس گلریز

داشته‌اند که به منظور استخدام افراد آگهی نموده‌اند، که یک سوم از این جاها مشروط به دارا بودن مدرک دکتری بوده است، در حالی که در کل دانشگاههای استرالیا تنها سالی ۶۰ نفر به اخذ درجه دکتری فیزیک نایل می‌شوند. بدین دلایل، مؤسسات آموزشی استرالیا در حال کشمکش با دولت برای گرفتن بودجه هر چه بیشتر در راه پرورش کمی و کیفی نیروی انسانی در استرالیا هستند.

ج) ارزش افزایی و بارآوری مواد خام

پیشرفت تکنولوژی در کشورهایی که به مرحله فراصنعتی رسیده‌اند، از جمله ژاپن و آمریکا، باعث شده است که با بارآوری مواد خام، بویژه نفت، ارزش افزوده آن تا حد بسیار زیادی افزایش یابد به نحوی که یک بشکه نفت، که بهای آن در بالاترین حد خود از ۴۰ دلار فراتر نرفته است، بیش از ۵۰۰ دلار ارزش افزوده در کشورهای صنعتی ایجاد می‌کند. به همین دلیل اخیراً مقامات استرالیایی که بخش بزرگی از درآمد صادراتشان مواد خام معدنی است، به این فکر افتاده‌اند که از صادرات مواد خام بکاهند و، با وارد کردن تکنولوژی، آن را به صورت کالاهای مصرفی ساخته شده به بازار عرضه کنند.

در همین مورد، کرین، وزیر صنایع اولیه و انرژی استرالیا، جامعه علمی این کشور را تشویق کرده است که به سمت بهره‌گیری از مواد خام و بارآوری آن حرکت کنند. سراریک نیل^۳، رئیس وست‌پک^۲، بزرگترین بانک استرالیا که در سمیناری که در خصوص بهبود کیفی فن و علم در کانبرا تشکیل شده بود سخن می‌گفت، تأکید کرد که اگر استرالیا بتواند ظرفیت بارآوری و ارزش افزایی مواد خام خود، مثل پشم و آلومینیوم و سنگ آهن و نفت، را گسترش دهد، درآمدهایش بدون تردید افزایش خواهد یافت و بسیاری از مشکلاتش به پایان خواهد رسید.

د) کمکهای مالی به مؤسسات تحقیقاتی

اخیراً سازمان تکنولوژی دفاعی استرالیا، که یکی از بزرگترین مؤسسات تحقیقاتی این کشور است، اجازه یافته است که سود حاصل از درآمدهایش را برای خود نگه دارد و در راه تحقیقات علمی صرف نماید. این مؤسسه سالیانه ۲۰۰ میلیون دلار بودجه تحقیقاتی در اختیار دارد و سازمان تحقیقاتی علمی و صنعتی استرالیا، با ۴۵۰ میلیون دلار بودجه سالیانه، از امکانات مالی بیشتری برخوردار است.

وزیر علوم دفاعی استرالیا گفته است که، بدین ترتیب، این سازمان می‌تواند از راه به‌کارگیری امکانات

1- Bill Streat
2- Whidup
3- Sir E. Neil
4- Westpac